

تاگور و ایران

محمد گلبن*

سرزمین پهناور هند شعرا و عرفای زیادی را در دامان خود پرورش داده است بسیاری از گویندگان نام‌آور آن با گویندگان فارسی زبان ما وجه اشتراک نزدیک دارند. در سرزمین هند زبان فارسی مقام والائی داشت.

گرچه هنوز هم در هند و پاکستان زبان و فرهنگ فارسی جای خاصی دارد، اما گویندگانی چون رابیندرانات تاگور آثار خود را به زبان انگلیسی خلق کردند. از گویندگان انگلیسی زبان مردم هند کمتر گوینده‌ای را سراغ داریم که آثارش در ایران به اندازه آثار تاگور به فارسی ترجمه شده باشد. تاگور شیفته ایران و فرهنگ ایران بود ظاهراً تاگور در جوانی به آموختن زبان فارسی پرداخته و به حافظ عشق می‌ورزیده است. حال تا چه اندازه او با زبان شیرین فارسی آشنایی داشته درست معلوم نیست.

تاگور قبل از آن که در سال ۱۳۱۱ شمسی برای نخستین مرتبه به ایران بیاید سفری به مصر رفته بود و ادبای ایران که با زبان عربی آشنایی داشتند از چگونگی سفر تاگور به مصر اطلاع داشتند. به همین علت ادبای ایران، دوست داشتند که تاگور که یک شاعر و هنرمند معروف هند است به ایران هم سفری بکند.

در سال ۱۳۱۰ شمسی وارد بندر بوشهر شد. تاگور قریب دو روز در بوشهر ماند و عازم شیراز شد. از طرف دولت ابوالحسن فروغی برادر محمد علی فروغی (ذکاءالملک) و از طرف انجمن ادبی ایران استاد ملک‌الشعراى بهار از تهران برای استقبال از تاگور به شیراز رفتند. در همان ایام که تاگور وارد ایران می‌شد. دولت ایران

* محقق و پژوهشگر ایرانی.

مایل بود که پارسیان مقیم هند هرچه بیشتر به سرزمین پدری رفت و آمد داشته باشند. ورود تاگور را زمان مناسبی برای ورود یک هیئت اقتصادی پارسیان یافتند و از یک هیئت اقتصادی پارسی دعوت رسمی به عمل آوردند.

ریاست این هیئت را «دین شاه ایرانی» به عهده داشت. این هیئت را یک نفر مترجم ایرانی که سال‌ها در هند تحصیل کرده بود همراهی می‌کرد. عبدالحسین سپنتا به عنوان مترجم با تاگور و همراهان او وارد ایران شد. این هیئت به همراه تاگور از بوشهر عازم شیراز شدند و نخست به بارگاه حافظ قدم گذاشتند. عبدالحسین سپنتا شرح دیدار تاگور را از بارگاه حافظ قلمی کرده است و آورده که تاگور چند تفأل از دیوان خواجه زد و من هر تفألی، که می‌آمد برای تاگور به انگلیسی ترجمه می‌کردم. سپنتا پس از شرح بازدید تاگور از شیراز مثنوی زیبایی ساخته که درجه ارادت تاگور را به حافظ و ایران در آن مثنوی نشان داده است.

تاگور و دو هیئت همراه او که یکی یک هیئت ادبی بود و دیگری یک هیئت اقتصادی از شیراز عازم اصفهان شدند. قرار بود چند روز در اصفهان توقف کنند و عازم تهران بشوند. اما جذابیت و زیبایی شهر اصفهان چنان تاگور را مسحور کرد که قریب ده روز در اصفهان ماند و باز دل از دیدار اصفهان بر نمی‌کند.

”همراهان نزدیک تاگور عبارت بودند از عروسش به نام پراتیما (Pratima) و منشی او چاکراورتی و دین شاه ایرانی رئیس انجمن زردشتیان ایران در بمبئی که با همسر و خواهر زنش همراه تاگور بود. اعتمادالدوله قره گزلو وزیر فرهنگ و معاونالدوله غفاری معاون وزارت امور خارجه و جمعی از اعضای انجمن ادبی ایران و نمایندگان مجلس شورای ملی در باغ نزهتیه در شهر ری از تاگور استقبال کردند. تاگور در ایام اقامتش در ایران دو سخنرانی ایراد کرد یکی در تالار مسعودیه و یکی در انجمن ادبی ایران خطابه‌های او را محسن اسدی ترجمه می‌کرد. تاگور در دو خطابه‌اش چند بار گفت من ایرانی هستم و نیاکانم از این سرزمین به هندوستان مهاجرت کردند و مسروم که به وطن اجداد خود آمده‌ام و علّت این همه محبت به من همین وحدت نژادی و فرهنگی است و

سبب مسافرت من با وجود کهولت و ضعف مزاج و مشکلات سفر همین یگانگی و عواطفی است که من به ایران دارم. نه دیگر^۱!

جذآبیت و زیبایی شهر اصفهان چنان تاگور را مسحور کرد که قریب ده روز در اصفهان ماند و باز دل از دیدار اصفهان بر نمی‌کند.

تاگور و دو هیئت همراه او روز پنجشنبه هشتم اردیبهشت به تهران رسیدند و در نزدیکی تهران شعرا و ادبای بزرگ کشور از آنان استقبال گرمی به عمل آوردند. پس از ورود دو هیئت به تهران هیئت ادبی را انجمن ادبی ایران عهده‌دار پذیرایی شد و هیئت اقتصادی را مراکز اقتصادی. در حقیقت مهمان‌دار تاگور و هیئت همراه او

جنرال کنسول ایران جلال‌الدین کیهان بود که از بمبئی همراه هیئت به ایران آمده بود و تا زمان بازگشت همه جا همراه هیئت بود.

تاگور و همراهانش در این سفر قریب ۱۶ روز در ایران ماندند و چون تاگور باید به اروپا می‌رفت برای بازگشت به هند عازم بغداد شدند. هیئت همراه تاگور به اتفاق جنرال کنسول ایران از بغداد به هند رفتند و تاگور نیز عازم اروپا شد.

تاگور در سفر اوّل به ایران چند خطابه به زبان انگلیسی ایراد کرده متن ترجمه خطابه‌های او در روزنامه ایران و اطلاعات به چاپ رسیده است.

مردم تهران از صنوف مختلف مقدم تاگور را گرامی می‌داشتند و در هر محفل و مجلسی که از این هنرمند و شاعری هند دعوت به عمل می‌آمد شرکت می‌کردند.

پس از بازگشت تاگور به هند دولت ایران استاد «پورداد» زنده‌کننده کتب و فرهنگ زردشتیان را مأمور کرد که به هند برود و کار تدریس زبان پهلوی را در آن کشور دنبال کند. استاد پورداد قبلاً مدّتی را در هند زیسته بود و با خوی و خصلت مردم شریف هند آشنایی داشت. تاگور در این سفر که به ایران آمد نمی‌دانست که ادبای ایران تا چه اندازه با آثار او آشنایی دارند. زیرا هنوز در آن ایام زبان انگلیسی این همه در کشور ما رایج نبود و ترجمه آثار بزرگان بیگانه را ایرانیان از عربی و فرانسه به فارسی ترجمه

۱. صدیق اعلم، سالنامه دنیا، سال ۲۱، ص ۲۰۰.

می‌کردند. استاد محیط طباطبائی در خطابه‌ای که در انجمن ادبی ایران و هند درباره‌ی خاطراتش از تاگور ایراد کرده است آورده که آثار تاگور را برای نخستین بار در ایران

تاگور در دو خطابه‌اش چند بار گفت من ایرانی هستم و نیاکانم از این سرزمین به هندوستان مهاجرت کردند و مسرورم که به وطن اجداد خود آمده‌ام.

بزرگ علوی از زبان آلمانی و فرانسه ترجمه کرده و در روزنامه‌های رشت به چاپ رسانیده است. در اولین سفر تاگور به ایران، ادبای کشور این مهم را به نظر تاگور نرسانیده بودند.

در اولین سفر تاگور به ایران شعرا و ادبای نام‌آوری با قلم توانای خود تاگور را ستودند. بعضی از اهل قلم مقالاتی در بزرگداشت و مقام

والای او نوشتند و برخی از گویندگان بزرگ مانند استاد دهخدا، ملک‌الشعرا، بهار، استاد رشید یاسمی، عبدالحسین سپنتا و دیگران قطعات منظومی در بزرگداشت او سرودند که چند بیت از منظومه هریک را در زیر مطالعه می‌فرمایید.

استاد بهار یک مثنوی نسبتاً طولانی به‌عنوان «هدیه تاگور» ساخت که در دیوان او جلد دوم که به‌کوشش چهارزاد بهار منتشر شده در ص ۱۸۲ تا ۱۸۵ آمده است. چند بیت آن را در زیر مطالعه فرمایند:

دست خدای احد لم یزل	ساخت یکی چنگ به‌روز ازل
باقته ابریشمش از زلف حور	بسته بر او پرده موزن نور
نغمه او رهبر آوارگان...	مویه او چاره بیچارگان...
تا که در این عصر نوین بی‌درنگ	در بر «تاگور» نهادند چنگ
ذات قدیمی پی بست و گشاد	قوس هنر در کف «تاگور» نهاد
چونکه بزد چنگ برآهنگ راست	نغمه اصلی ز دل چنگ خاست
نالۀ عشاق برآمد ز چنگ...	پر شد از او هند و عراق و فرنگ...
طبع تو چنگ است و خرد زخمه‌اش	شعر بلند ازلی نغمه‌اش
سال تو هفتاد و خیالت نو است	زان که ز یزدان به‌دلت پرتو است
هرکه ز یزدان به‌دلش نور تافت	در دو جهان دولت جاوید یافت

*

سی صد و ده چون که گذشت از هزار
گفته شد این شعر خوش آبدار
جانب بنگاله فرستادمش
«هدیه تاگور» لقب دادمش
تا آخر که می فرماید:

ای قلمت هدیه پروردگار
هدیه ایران بپذیر از بهار

مثنوی استاد بسیار زیباست و مجال سخن کوتاه والا همه آن را به خوانندگان گرمی
هدیه می داشتیم.

زنده یاد رشید یاسمی استاد شریف دانشگاه
تهران قصیده زیبایی در تجلیل از مقام تاگور
دارد که چند بیت آن را در زیر مطالعه
می فرمایید.

تجلیل از تاگور

**آثار تاگور را برای نخستین بار در
ایران بزرگ علوی از زبان آلمانی
و فرانسه ترجمه کرده و در
روزنامه‌های رشت به چاپ رسانیده
است.**

درد باد به آن شاعر بلند مقام
کزو ببالد فخر و بدو بنازد نام
گزیده شعرا مفخر ادب تاگور
که کشور سخن از وی گرفت نظم و قوام
یگانه مهر درخشان شرق کز نورش
زدوده گشت جهان سخن زرنگ ظلام
چو آفتاب ز آفاق شرق تابان شد
وز او گرفت همه غرب روشنایی وام
ترانه‌های دل‌انگیز او بهر روزی
هزار خاطر آشفته را کند آرام
به هیچ جای چنان قدر تو به‌شناسد
که در قلمرو سعدی و کشور خیام
ز داروی سخت جان دردمند بشر
نجات یابد از آسیب محنت ایام
به‌جشن هفتاد از عمر تو بیایستی
که سوی هند از ایران به‌بستی احرام
چو راه دور مرا زین طواف دارد باز
بدین قصیده فرستم تو را درود و سلام
دل «رشید» ز آثار فکر تو روشن
بسان طبع تو شادان و خرم و پدram

و نیز دکتر لطف علی صورتگر شعر زیبایی خطاب به تاگور سرود و به‌او هدیه کرد
چند بیت آن را در زیر مطالعه بفرمایید:

نسیمی بجنیبید از کوه‌سار
ز صبح جوانی دل‌انگیزتر
بسان دل عاشقان بی‌قرار
ز باز شکاری سبک‌خیزتر

*

سبک‌بال و دیوانه کردار و مست به‌گلشن فرودآمد از تیغ کوه
چمن دید از جور وی تنگدست نه در لاله رنگ و نه در گل شکوه

*

بپرسید از آن دل‌ربایان به‌راز که از چیست در این نهان‌خانه‌اید؟
رخ افروز باغید و با برگ و ساز در این گوشه تنگ بهر چه‌اید؟

*

برآشفت از آن گفته با گل نسیم که این ناپسند آید از دلبران
که خود وارهند از غم و ترس و بیم فرامش‌کننده اندّه دیگران

*

سخن گسترای که اشعار تو پیامی ز عشق و جوانی دهد
اثرهای طبع گهربار تو در خسته را شادمانی دهد

ابیاتی چند از سروده دکتر لطف علی صورتگر را ملاحظه فرمودید. اگر بخواهم از همه آثاری که در بزرگداشت تاگور سروده و نوشته‌اند حتی خلاصه‌ای را نقل کنم خود رساله مطولی خواهد شد. بنابراین از پرداختن به آثار عبدالحسین سپنتا و دیگران درمی‌گذریم.

تاگور بعد از سفر اوّل که در سال ۱۳۱۱ هـ ش به ایران آمد. دولت ایران سال ۱۳۱۳ هـ ش را اختصاص به «هزاره حکیم طوس» داده بود و از بیشتر بزرگان و دانشمندان آسیای اروپایی، آمریکایی دعوت به‌عمل آورده بود که در آن جشن شرکت جویند، از آن جمله باز تاگور یکی از مدعوین بود که به ایران آمد. دانشمندان ایران مقدم او را باز گرامی داشتند. او نیز در افتتاح آرامگاه حکیم طوس شرکت کرد. بزرگانی چون علامه علی اکبر دهخدا، دکتر ولی الله خان نصر، دکتر سیاسی و بزرگان دیگر کشور از او پذیرایی گرمی به‌عمل آوردند و او بعد از چندی به‌کشورش مراجعت کرد.

تاگور در اوّلین سفری که به ایران آمده بود به‌مرز هفتاد سالگی رسیده بود. در مزار حکیم طوس ۷۳ سال از روزگار عمرش می‌گذشت. تاگور بیش از هشتاد سال و چند ماه عمر نکرد و جان به‌جان آفرین تسلیم کرد. دولت هند در سال ۱۹۶۰ م مقدمه جشن «۱۹۶۱ م جشن یکصدمین سال تاگور» را فراهم کرد و یکصدمین سال تولد او را

برگزار کرد. علاوه بر هند در بیشتر کشورهای جهان به مناسبت یکصدمین سال تولد او جشن‌های مفصلی برگزار کردند. از جمله سفارت هند در ایران و دولت ایران جشن بزرگی در دانشگاه تهران به همین مناسبت برگزار کرد. از طرف شورای دانشگاه تهران چند تن از استادان برای شرکت در این جشن به هند رفتند. دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره دوم سال ۹، مجله خود را «شماره مخصوص تاگور» نام نهاد و منتشر کرد.